



The Method of Theory Testing in Islamic Economics

✉ **Saeed Mohammadbeigi**  / PhD Student in Philosophy of Islamic Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute beigi.1992@gmail.com

Mohammadjavad Tavakoli / Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2025/02/03 - **Accepted:** 2025/04/05

Abstract

Theory testing in Islamic economics is a subject that has received relatively little scholarly attention. The central question in this regard is how the validity of Islamic economic theories can be tested. This study employs an analytical approach to examine the method of theory testing in Islamic economics, considering the diversity of theoretical frameworks. Based on the article's hypothesis, the methods of theory testing in Islamic economics vary according to the normative, positive, and prescriptive nature of the theories. The findings confirm this distinction. Accordingly, testing a normative theory in Islamic economics requires examining its reliance on Islamic textual sources. The evaluation of a positive theory necessitates its conformity with empirical evidence, which may range from historical and statistical to behavioral data—though positive propositions derived directly from the Qur'an and Hadith are not empirically testable; instead, supporting evidence may be provided to convince the audience. As for prescriptive theories, testing involves not only the assessment of their underlying normative and positive claims but also the provision of empirical evidence demonstrating the practical efficacy of the recommended policy. This entails a combination of shariah compliance testing, empirical coherence, and operational effectiveness. The above pertains to the testing of the material content of arguments in each theory type. Prior to engaging in substantive testing, a formal assessment of the theory must be conducted to ensure that its logical structure is free from inferential fallacies.

Keywords: Methodology, Islamic Economics, Theory Testing, Normative Theory, Positive Theory, Prescriptive Theory.

JEL Classification:

روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی

سعید محمدبیگی  / دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* beigi.1992@gmail.com

محمدجواد توکلی / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* tavakoli@iki.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

چکیده

آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. در این زمینه این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان اعتبار نظریه‌های اقتصاد اسلامی را آزمون کرد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی با توجه به تنوع نظریات می‌پردازیم. بر اساس فرضیه مقاله، روش‌های آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی به واسطه تمایز نظریه‌های هنجاری، اثباتی و تجویزی متمایز است. یافته‌های مقاله این تمایز را تأیید می‌کند. در این راستا، آزمون نظریه هنجاری در اقتصاد اسلامی مستلزم بررسی استناد آن به منابع دینی است. لازمه آزمون نظریه اثباتی در اقتصاد اسلامی تطابق با شواهد بیرونی است که می‌تواند گستره‌ای از شواهد تاریخی، آماری و رفتاری را دربر گیرد؛ هرچند که گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح قرآنی و روایی آزمون‌پذیر نیستند و تنها می‌توان شواهدی برای اقناع مخاطبان ارائه داد. برای آزمون نظریه تجویزی، علاوه بر لزوم بررسی گزاره‌های نهفته هنجاری و اثباتی می‌باید شواهد بیرونی بر کارآمدی توصیه سیاستی پیشنهادی اقامه کرد که ترکیبی از آزمون تطابق شرعی، سازگاری با شواهد عینی و کارآمدی عملی خواهد بود. آنچه گفته شد آزمون مواد استدلال در سه نوع نظریه مورد اشاره بود. پیش از ورود به آزمون نظریه از جهت مواد استدلال، باید اقدام به آزمون صوری نظریه کرد. در آزمون صوری شکل استدلال باید عاری از مشکلات منطقی استنتاج باشد.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، اقتصاد اسلامی، آزمون نظریه، نظریه هنجاری، نظریه اثباتی، نظریه تجویزی.

طبقه‌بندی JEL: B41, B4.

مقدمه

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه اقتصاد اسلامی است که چگونگی تولید نظریه معتبر را مشخص می‌کند. روش مورد استفاده برای نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی باید هم تضمین‌کننده استناد نظریه به اسلام باشد و هم واقع‌گرایی نظریه را تضمین کند. این دو الزام ارائه روش در اقتصاد اسلامی را دشوارتر از اقتصاد متعارف می‌کند. علی‌رغم تمایزاتی که بین انواع نظریه در اقتصاد اسلامی ارائه شده است، تصویر مشخصی از تمایزات روشی آنها از جمله تمایز در روش آزمون نظریه ارائه نشده است. تفکیک متداول بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی و یا تمایز میان مکتب، علم و نظام اقتصادی اسلام همراه با تحلیل دقیق روش مورد استفاده در هریک نشده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به این سؤال می‌پردازیم که آیا تنوع انواع نظریه در اقتصاد اسلامی باعث تنوع در روش آزمون آن نیز می‌شود؟ بنا به فرضیه مقاله، نظریات اقتصاد اسلامی را می‌توان در سه دسته نظریات هنجاری، اثباتی و تجویزی قرار داد و از تمایز روش آزمون در هریک از آنها دفاع کرد. برای این منظور، پس از بررسی پیشینه تحقیق، ابتدا به سنخ‌شناسی نظریه‌ها در اقتصاد اسلامی می‌پردازیم؛ در ادامه روش قابل استفاده برای آزمون هریک از این نظریه‌ها را تشریح می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

در زمینه روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی آثار گسترده‌ای به چشم نمی‌خورد. در ادامه به اختصار برخی از مهم‌ترین آثار در زمینه روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی را مرور می‌کنیم. شهید صدر (۱۴۰۰ق؛ ۱۴۲۱ق) در آثار خود از جمله کتاب *اقتصادنا، الاسلام یقود الحیة* به معرفی دو روش کشفی و روش استنباطی پرداخته است. ایشان دو روش قیاسی و استقرایی را نیز برای نظریه‌پردازی در علم اقتصاد اسلامی به صورت گذرا معرفی می‌کند.

نظری و خطیبی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی شهید صدر»، آن را نوعی روش فقه نظریه دانسته‌اند: موضوع فقه متعارف افعال مکلفین است؛ درحالی‌که موضوع فقه نظریات، قضایای بنیادینی است که اساس مکتب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام را شکل می‌دهد. فقیه در فقه متعارف به دنبال تحصیل حجیت است؛ درحالی‌که محقق فقه نظریه به دنبال کشف خطوط کلی حاکم بر احکام به ظاهر متفرق است؛ روشی که در آن «نوعاً از مدلول التزامی احکام فرعی استفاده می‌شود (نظری و خطیبی، ۱۳۹۲).

نظری (۱۳۹۶) در کتاب *روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی* با رویکرد واقعیت‌نهادی بر اهمیت توجه به اعتباریات و نقش آن در نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی تأکید می‌کند.

خطیبی (۱۴۰۲) در کتاب *روش استنباط نظریه اقتصادی از کتب و سنت اقدام* به بسط نظریه شهید صدر با طرح روش استنباط مسئله‌محور می‌کند.

یوسفی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۵) بین روش تأسیسی و استنباطی در اقتصاد اسلامی تفکیک کرده است.

منذر قحف (۱۴۲۰ق) در کتاب *الاقتصاد الاسلامی علماً و نظاماً* به سمت رویکرد فقه مقاصدی در نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی رفته است.

توکلی (۱۳۹۸) در کتاب *مبانی فلسفی و روش شناسی اقتصاد* بین روش های استنباط از منابع وحیانی و روش های استخراج نظریه از منابع غیروحیانی تفکیک کرده است.

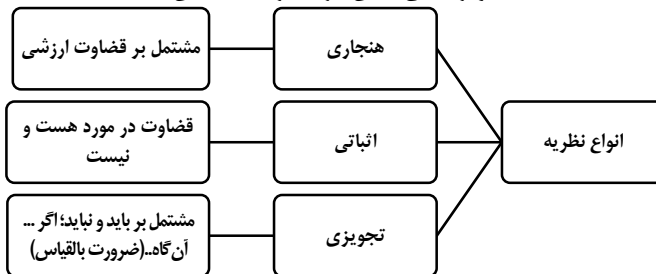
نظریور (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «آزمون های تجربی در اقتصاد و کاربردهای آن در اقتصاد اسلامی» به تشریح برخی ابعاد مرتبط با آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی می پردازد.

در این مقاله ضمن استفاده از آثار مورد اشاره، سعی می کنیم که روش های آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی را با توجه به تنوع انواع نظریه تبیین کنیم. نوآوری مقاله حاضر، تفکیک بین انواع نظریه در اقتصاد اسلامی و تعیین روش آزمون هریک است.

۱. سنخ شناسی نظریه ها در اقتصاد اسلامی

یکی از دسته بندی های مطرح در اقتصاد اسلامی، تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۸). گاهی نیز بین مکتب، علم و نظام اقتصاد اسلامی تفکیک شده است (میرمعزی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). رویکرد دیگر تفکیک بین اقتصاد تشریعی، تحلیلی و تدبیری است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۶). تمایز میان نظریه های اثباتی، هنجاری و تجویزی در اقتصاد اسلامی نیز تفکیک مشابهی در این زمینه است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷). در رویکردی جدید در این زمینه، تمایز بین گزاره های اثباتی، هنجاری و تجویزی نیز مطرح شده است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷-۲۳۱).

نمودار ۱: سنخ شناسی نظریه ها در اقتصاد اسلامی



صرف نظر از تفکیک های کلی ارائه شده در زمینه اقتصاد اسلامی، نظریه ها در اقتصاد اسلامی را می توان به سه دسته هنجاری، اثباتی و تجویزی تقسیم کرد. تفکیک بین نظریه های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی اسلامی ناظر به تمایز نظریه هایی که ارزش های مورد قبول در اقتصاد اسلامی را تبیین می کنند (هنجاری)، نظریه هایی که رابطه میان متغیرهای اقتصادی را بیان می کنند (اثباتی) و نظریه هایی که چگونگی دستیابی به اهداف معین شده در اقتصاد هنجاری را بیان می کنند (تجویزی).

نظریه اقتصادی هنجاری مشتمل بر قضاوت ارزشی است. نظریه اقتصادی اثباتی شامل قضاوت در مورد هست و نیست، می باشد. نظریه اقتصادی تجویزی نیز مشتمل بر «باید و نباید» و «اگر... آن گاه...» (ضرورت بالقیاس) است. خروجی نظریه تجویزی، از سنخ باید و نباید است، ولی با توجه به اینکه این نظریه مبتنی بر یک نظریه اثباتی است، ترکیب نظریه تجویزی و اثباتی را می توان در قالب گزاره حاکی از ضرورت بالقیاس بیان کرد؛ برای نمونه، اگر خروجی یک نظریه تجویزی این باشد که برای مقابله با سفته بازی از خانه های خالی مالیات بگیرید، این گزاره مشتمل بر این گزاره بایدی است که از خانه های خالی باید مالیات گرفت. در کنار این گزاره این گزاره هم مطرح است که گرفتن مالیات بر خانه های خالی باعث کاهش سفته بازی در مسکن می شود. اگر این دو گزاره ترکیب شوند، آن دو را می توان این گونه بیان کرد: اگر می خواهید سفته بازی کاهش یابد، از خانه های خالی مالیات بگیرید. البته نظریه دریافت مالیات از خانه های خالی مشتمل بر جزئیات اجرایی آن یا شیوه عملیاتی آن نیز می باشد.

سه دسته نظریه اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی را می توان به شکل زیر تعریف کرد.

۱. نظریه های اقتصادی هنجاری: این دسته از نظریه ها بیانگر ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده در اقتصاد اسلامی اند. نظریه عدالت اقتصادی اسلام نظریه ای هنجاری است که بیانگر شیوه موردقبول در توزیع درآمد و ثروت در جامعه اسلامی است.

۲. نظریه های اقتصادی اثباتی: نظریه اثباتی از هست ها و نیست ها و روابط میان متغیرها در حوزه فعالیت های اقتصادی سخن می گوید. نظریه اثباتی به نظم ها و قانونمندی های حاکم بر رفتارهای اقتصادی می پردازد.

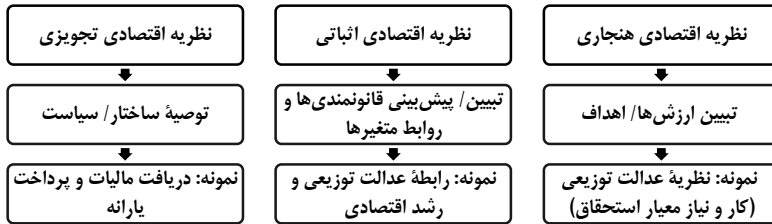
۳. نظریه های اقتصادی تجویزی: هرچند نظریه های تجویزی به نظریه های هنجاری نزدیک اند و از کمک نظریه های اثباتی نیز بهره می گیرند، ولی خروجی آنها تجویز اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف نظام اقتصادی (تبیین شده در اقتصاد هنجاری اسلامی) با توجه به قانونمندی های حاکم بر اقتصاد (تبیین شده در اقتصاد اثباتی اسلامی) است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷).

جدول ۱: تمایز نظریه های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی

نوع	توضیح	مثال
نظریه اقتصادی هنجاری	تبیین ارزش ها / اهداف اقتصادی	توزیع عادلانه بر دو مبنای نیاز و کار متکی است.
نظریه اقتصادی اثباتی	بیان قانونمندی های اقتصادی	توزیع عادلانه موجب افزایش رشد اقتصادی می شود.
نظریه اقتصادی تجویزی	تجویز چگونگی دستیابی به اهداف	دریافت مالیات و پرداخت یارانه برای تقویت عدالت توزیعی توصیه می شود.

نظریه های اقتصادی هنجاری اسلامی کارکردی ارزیابانه دارند و به تبیین ارزش ها / اهداف موردقبول در اقتصاد اسلامی می پردازند (کارکرد ارزیابانه). نظریه اقتصاد اسلامی اثباتی به تبیین و پیش بینی پدیده های اقتصادی می پردازد (کارکرد تبیین و پیش بینی). نظریه اقتصاد اسلامی تجویزی نیز حاوی توصیه ها و تجویزهایی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی است (کارکرد توصیه گرانه). این توصیه ها در دو دسته توصیه های ساختاری (مانند اصلاح نظام بانکی) و توصیه های سیاستی (مانند سیاست های پولی و مالی) جای می گیرند. البته تحلیل اثر توصیه های سیاستی را باید با ارائه نظریه های اثباتی اقتصاد اسلامی انجام داد.

نمودار ۲: کارکرد نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی



نظریه‌های اقتصاد اسلامی هنجاری، اثباتی و تجویزی از یکدیگر گسسته نیستند، بلکه ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. این ارتباط ممکن است در یک حوزه نظری بیشتر از دیگر حوزه‌ها باشد؛ برای نمونه، موضوع خلق پول در نظام بانکی را می‌توان در نظر گرفت. در این زمینه می‌توان از سه دسته نظریه اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی سخن گفت.

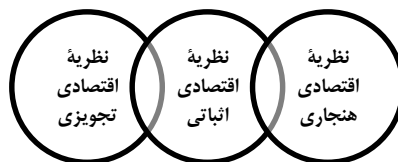
نظریه اقتصادی هنجاری: خلق پول اکل مال به باطل و حرام است، خلق پول ناعادلانه است.

نظریه اقتصادی اثباتی: خلق پول باعث تورم می‌شود، خلق پول، به معنای ایجاد پول از هیچ است.

نظریه اقتصادی تجویزی: برای کنترل خلق پول، ذخیره قانونی را افزایش دهید، بانک‌های تجاری را محدود کنید.

نظریه اقتصادی هنجاری از نظر رتبی بر نظریه اقتصادی اثباتی و تجویزی مقدم است. برای ارائه تدابیر اقتصادی باید برداشت مشخصی از اهداف اقتصادی (نظریه اقتصادی هنجاری) و قانونمندی‌های اقتصادی (نظریه اقتصادی اثباتی) داشت. نظریه اقتصادی هنجاری تعیین‌کننده اهداف و ارزش‌های پذیرفته شده است. نظریه اقتصادی اثباتی به تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی، روابط میان متغیرها و کارکردهای اقتصادی می‌پردازد. نظریه اقتصادی تجویزی توصیه‌هایی برای دستیابی به اهداف اقتصادی موردنظر ارائه می‌کند. نظریه‌های اقتصادی تجویزی از این جهت که باید در آنها سطح اهداف معین و منقح شود، به نظریه‌های اقتصادی هنجاری وابسته است. این تجویز به فهم ما از واقعیات اقتصادی نیز وابسته است. هر سه دسته این نظریات با هم وابسته‌اند و برای درک کامل مسائل اقتصادی باید هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. نظریه هنجاری به ما می‌گوید چه می‌خواهیم، نظریه اثباتی واقعیت‌های اقتصادی را نشان می‌دهد و نظریه تجویزی راهکارهایی برای دستیابی به اهداف ارائه می‌کند.

نمودار ۳: ارتباط نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی



اگر وابستگی نظریه اقتصادی اثباتی به تدابیر اقتصادی را در نظر بگیریم، نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن ساختارهای ایجادشده و سیاست‌های اجراشده به تحلیل رفتارها و کارکردهای اقتصادی بپردازیم. با توجه به تأثیر ساختارها و

سیاست‌ها بر رفتارهای اقتصادی، تحلیل اثباتی ارائه شده از رفتارهای اقتصادی، به ساختاری که رفتار در آن انجام می‌شود وابسته است؛ برای نمونه، رفتار افراد در ساختار بازار رقابتی با رفتار آنها در ساختار اقتصاد دولتی متفاوت است. در مباحث اقتصاد اثباتی معمولاً ساختارها را پیش فرض می‌گیرند و به تحلیل اثر سیاست‌ها بر رفتار می‌پردازند؛ مثلاً در اقتصاد خرد هنگام تحلیل رفتار بنگاه، ساختار رقابت کامل همراه با اطلاعات کامل مفروض گرفته می‌شود؛ در ادامه، تحلیل می‌شود که در چنین ساختاری، بنگاه‌ها چه مقدار تولید می‌کنند و با چه قیمتی می‌فروشند. در مباحث تکمیلی اقتصاد خرد، اثر سیاست‌های اقتصادی همچون وضع مالیات بر رفتار عرضه‌کنندگان و همچنین اثرات رفاهی آن بررسی می‌شود. مشخص است که این نتایج در ساختار انحصار کامل، صادق نیست و تحلیل آثار سیاست‌های اقتصادی نیز متفاوت خواهد بود. حال اگر فرض کنیم اساس ساختاری سوسیالیستی بر اقتصاد حاکم است و افراد بر اساس برنامه مشخص شده از سوی شورای برنامه‌ریزی متمرکز به تولید می‌پردازند، تحلیل رفتار به کلی متمایز خواهد بود و مباحث سیاستی نیز شکل دیگری به خود خواهند گرفت.

نظریه‌های اقتصادی اسلامی تجویزی ممکن است هویت کشفی یا تأسیسی داشته باشند (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۵۶). وقتی روش ارائه شده مستقیماً توسط شارع بیان شده است، در این صورت نظریه پرداز فقط رهیافت سیاستی را از منابع دینی به دست می‌آورد؛ برای نمونه، در متون دینی سیاست مالی در قالب دریافت خمس و زکات معرفی شده است، ولی هنگامی که نظریه پرداز اقدام به طراحی یک مالیات حکومتی می‌کند، وی اقدام به طراحی در حوزه منطقه الفراغ کرده است. منطقه الفراغ یا حوزه خالی برای ریل گذاری و قاعده گذاری اقتصادی جایی است که شرع به ما اجازه تأسیس و بنیان گذاری ساختارهای نهادی و قاعده گذاری اقتصادی را می‌دهد (صدر، ۱۴۰۰، ص ۴۲۶). اسلام به این دلیل قاعده گذاری در منطقه الفراغ را پذیرفته که روابط افراد با یکدیگر و با طبیعت در طول زمان تغییر می‌کند. این تغییر ناشی از مشکلاتی است که انسان‌ها همواره با آن روبه‌رو می‌شوند (صدر، ۱۴۰۰، ص ۷۲۳). قاعده گذاری در این حوزه به مباحث اختصاص ندارد؛ احکام الزامی صادره از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام به عنوان ولی امر و به اقتضای شرایط خاص آن زمان، در منطقه الفراغ جای می‌گیرد. این نوع از احکام الهی در لوح محفوظ محکوم به اباحه می‌باشند، اما به اقتضای شرایط خاص محکوم به حکم الزامی شده و با تغییر شرایط، حکم الزامی یادشده نیز زائل می‌شود. برای احکام حکومتی متعلق به منطقه الفراغ نمونه‌هایی همچون ممنوعیت فروش مازاد آب کشاورزی، نهی از فروش میوه درختان پیش از رسیدن آن، نهی از اجاره زمین کشاورزی، تعیین حریم چاه‌ها و اعمال محدودیت بر قیمت گذاری ذکر شده است (صدر، ۱۴۰۰، ص ۷۲۶-۷۲۸؛ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵-۱۳۸).

قاعده گذاری در منطقه الفراغ با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی و برای تحقق اهداف عمومی اقتصاد اسلامی از جمله عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد (صدر، ۱۴۰۰، ص ۷۲۲). اهداف یادشده به عنوان مبنای قاعده گذاری یا سیاست گذاری در نظر گرفته می‌شوند؛ به طور نمونه، دستور امام علی علیه السلام به مالک اشتر برای محدود کردن توان قیمت گذاری تجار، حکمی حکومتی است. امام از اختیارات خود برای پر کردن منطقه الفراغ استفاده و با توجه به

اقتضائات عدالت اجتماعی حکم کرده است که قیمت‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که به هیچ‌یک از دو طرف فروشنده و خریدار اجحاف نشود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲۸).

طراحی یک الگو و مدل اقتصاد اسلامی همچون الگوی بانکداری اسلامی نیز مستلزم استفاده از روش تأسیسی است. پژوهشگران بانکداری اسلامی الگوهای متفاوتی را بر اساس خطوط کلی نظام مالی اسلامی طراحی کرده‌اند. برخی از نوعی بانک جامع دفاع کرده‌اند؛ برخی نیز به سمت ارائه الگوی تفکیک رفته‌اند؛ الگویی که در آن بانک قرض‌الحسنه در کنار شرکت‌های لیزینگ و مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کند (صمصامی و داودی، ۱۳۸۹؛ محقق‌نیا، ۱۳۹۲). تدوین سیاست‌های اقتصادی نیز به حوزه منطقه‌الفراغ تعلق دارد. تدوین سیاست اقتصادی وابستگی زیادی به موقعیت اقتصادی کنونی جامعه هدف دارد. سیاست اقتصادی با توجه به جهت‌گیری‌های کلی حاکم بر اقتصاد اسلامی و هدف‌گذاری‌ها و قاعده‌گذاری‌های مکتب اقتصادی اسلام صورت می‌گیرد. شهید صدر با تفکیک سیاست اقتصادی از جهت‌گیری‌های مکتب اقتصادی اسلام، سیاست اقتصادی را به‌عنوان امری تأسیسی در حوزه اختیارات دولت تعریف می‌کند. از نظر ایشان «مکتب (اقتصادی) تنها به تعیین اهداف محوری، محدودیت‌های کلی و چارچوب مکتبی فراگیر (حاکم بر) سیاست اقتصادی اکتفا می‌کند. دولت موظف است به این ضوابط متعهد باشد و سیاست (اقتصادی) خود را در این چارچوب وضع کند» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۶۶۶).

باید توجه داشت که روش تأسیسی از روش کشفی جدا نیست. برای طراحی و تأسیس ساختار نهادی مانند نظام بانکی اسلامی باید بر خطوط کلی و قواعد استخراج‌شده از کتاب و سنت تکیه کرد. با وجود این، تولید نظریه و نه استنباط آن اقتضائات خاص خود را دارد. در این راستا، مبانی اسلامی همچون اصل عدالت اجتماعی پیش‌فرض نظریه‌پردازی در روش تأسیسی را شکل می‌دهد. این بدان معناست که طراحی ساختارهای نهادی مقید به مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است.

۲. آزمون صوری در برابر آزمون محتوایی

آزمون یک نظریه به دو صورت آزمون صوری و آزمون محتوایی ممکن است. در آزمون صوری شکل استنتاج بررسی می‌شود. درواقع، آزمون صوری به بررسی ساختار و شکل استدلال می‌پردازد و تمرکز آن بر قواعد منطقی و روابط بین جملات است. در این نوع آزمون، هدف مشخص کردن این موضوع است که آیا استدلال به‌درستی و به‌طور منطقی تنظیم شده است یا خیر (Copi, Cohen & McMahon, 2016). ویژگی‌های این آزمون شامل رعایت قواعد منطقی ازجمله بررسی ترتیب جملات و ارتباط آنها با یکدیگر است. از سوی دیگر، آزمون محتوایی به ارزیابی مواد استدلال می‌پردازد و تمرکز آن بر صحت و دقت اطلاعات به‌کاررفته در استدلال است. در این نوع آزمون، هدف مشخص کردن این است که آیا جملات و مفاهیم به‌کاررفته در استدلال درست و معتبر هستند یا خیر (Hurley, 2011)؟ ویژگی‌های این آزمون شامل بررسی صحت اطلاعات، تحلیل مفاهیم و سنجش شواهد تجربی برای ارزیابی ادعاهاست. در مجموع، آزمون صوری و محتوایی دو جنبه متفاوت از ارزیابی استدلال‌ها هستند. آزمون صوری بر ساختار و شکل استدلال تمرکز

دارد؛ درحالی که آزمون محتوایی بر صحت و دقت اطلاعات به کاررفته در استدلال متمرکز است. این دو نوع آزمون به فرد کمک می کنند تا استدلال ها را به طور کامل و جامع بررسی کند. به نمونه زیر توجه کنید:

سقراط انسان است؛

هر انسانی فانی است؛

پس سقراط فانی است.

بررسی و آزمون این نظریه گاهی از این جهت صورت می گیرد که آیا شکل استدلال به صورت منطقی تنظیم شده است یا خیر؟ ولی آزمون محتوایی به این است که ببینیم آیا مواد به کاررفته در استدلال درست است یا نه؟ آیا هر انسانی فانی است، درست است؟ آیا سقراط انسان است، درست است؟ ممکن است گفته شود اثبات اینکه هر انسان فانی است نیازمند نوعی استقرا باشد که بگوییم ما مشاهده کردیم که همه افرادی که بررسی کردیم مرده اند؛ پس همه افراد می میرند. ممکن است کسی صحت سنجی این ماده از استدلال را این گونه انجام دهد که بگوید از جهت قواعد فیزیولوژیک بدن انسان به تدریج مستهلک می شود و نمی تواند به شکل ابدی باقی بماند.

استدلال اقتصادی زیر را نیز در نظر بگیرید:

افزایش مالیات باعث کاهش درآمد مردم می شود؛

کاهش درآمد مردم باعث کاهش مصرف می شود؛

پس، افزایش مالیات باعث کاهش مصرف می شود.

آزمون صوری نمونه بالا به این است که بررسی کنیم استدلال و استنتاج صورت گرفته از نظر منطقی درست باشد. فرض اول (افزایش مالیات باعث کاهش درآمد مردم می شود) و فرض دوم (کاهش درآمد باعث کاهش مصرف خواهد شد) به درستی به نتیجه گیری (افزایش مالیات باعث کاهش مصرف می شود) منتهی می شوند. این استدلال از نظر منطقی معتبر است؛ زیرا اگر فرض ها درست باشند، نتیجه نیز باید درست باشد. با این حال، این امکان وجود دارد که فرض ها به واقعیت نزدیک نباشند، که در این صورت استدلال از نظر محتوایی نادرست خواهد بود. برای آزمون محتوایی باید به بررسی صحت تک تک گزاره های به کاررفته بپردازیم. باید بررسی کرد که آیا واقعاً افزایش مالیات به کاهش درآمد منجر می شود؟ آیا کاهش درآمد به کاهش مصرف منجر خواهد شد؟ شواهد تجربی نشان می دهند که این امکان وجود دارد که این فرض ها در شرایط خاصی درست باشند، اما در شرایط دیگر می تواند نتایج متفاوتی به دست آید؛ به عنوان مثال، اگر دولت مالیات را برای تأمین خدمات عمومی افزایش دهد، ممکن است این خدمات به افزایش درآمد مردم منجر شود. بنابراین محتوای این استدلال از این امکان برخوردار است که نیاز به بررسی بیشتری داشته باشد تا صحت آن تأیید شود.

۳. آزمون صوری نظریه در اقتصاد اسلامی

برای آزمون صوری نظریه در اقتصاد اسلامی تمایزی بین انواع مختلف نظریه نیست. در همه انواع نظریه باید شیوه استنتاج را با توجه به قواعد منطقی آزمون کرد. نمونه استدلال زیر را در نظر بگیرید:

در باز است؛

باز پرنده است؛

پس در پرنده است.

در استدلال بالا نوعی خطای منطقی در استنتاج وجود دارد؛ زیرا باز به دو معنا به کار رفته است: در گزاره اول باز به معنای گشوده بودن درب است، ولی در گزاره دوم باز نام یک پرنده شکاری است. این اشتباه باعث شده است که نتیجه گیری نادرست شود. در مثال منطقی دیگر می توان برای نشان دادن ساختار آزمون صوری به این مثال توجه کرد. مثال دیگری که ساختار صغری، کبری و نتیجه دارد و می تواند برای توضیح اصول منطقی استفاده شود: صغری: همه پستانداران خون گرم هستند؛

کبری: نهنگ یک پستاندار است؛

نتیجه: نهنگ خون گرم است.

گزاره «همه پستانداران خون گرم هستند» یک قاعده کلی است که بیان می کند تمامی پستانداران دارای ویژگی مشترکی به نام خون گرم بودن هستند. به علاوه گزاره «نهنگ یک پستاندار است» یک گزاره خاص است که بیان می کند نهنگ به عنوان یک موجود خاص متعلق به دسته ای به نام پستانداران است. در نهایت گزاره «نهنگ خون گرم است» نتیجه ای است که با استفاده از قواعد منطقی از دو گزاره قبلی (صغری و کبری) به دست می آید. با توجه به اینکه نهنگ به دسته ای تعلق دارد که تمامی اعضای آن خون گرم هستند، می توان نتیجه گرفت که نهنگ نیز خون گرم است. این مثال نیز نشان می دهد که چگونه می توان از اصول و قواعد منطق برای استنتاج یک نتیجه منطقی استفاده کرد. در آزمون صوری نظریه ها در اقتصاد اسلامی نیز باید به همین شیوه از قواعد منطقی برای بررسی و ارزیابی استنتاج ها استفاده کرد تا اطمینان حاصل شود که استنتاج ها و نتایج به دست آمده با مبانی منطقی هماهنگ هستند (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۸۲). می توان مصادیقی از این نوع خطا را در نظریه های اقتصادی در موارد ذیل مشاهده کرد:

۱. استفاده دوگانه از اصطلاحات: واژه «بازار» از این قابلیت برخوردار است که هم به معنای مکانی برای خرید و فروش یا به معنای کل بازار اقتصادی به کار رود. اگر یک نظریه پرداز بگوید «بازار در حال رشد است»، می توان این جمله را به دو معنا تفسیر کرد: افزایش تعداد فروشگاه ها یا افزایش حجم معاملات (Tvede, 2002). این ابهام می تواند منجر به سوء تفاهم و نتیجه گیری های نادرست شود.

۲. استنتاج نادرست از داده ها: ادعا می شود که «افزایش تولید باعث افزایش رفاه می شود». این استدلال این حقیقت را نادیده می گیرد که افزایش تولید ممکن است با نابرابری درآمد یا آسیب به محیط زیست همراه باشد (توکلی و شفیعی نژاد، ۱۳۹۱). بنابراین افزایش تولید به تنهایی نمی تواند معیاری برای افزایش رفاه باشد، لازم است عواملی مانند توزیع درآمد و کیفیت زندگی نیز در نظر گرفته شوند.

۳. تعمیم نادرست: فرض بر این است که یک سیاست اقتصادی موفق در یک کشور، در همه کشورهای مؤثر خواهد بود (Brown, 2024). این دیدگاه این واقعیت را نادیده می‌گیرد که شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور متفاوت است؛ به عنوان مثال، سیاست‌های اقتصادی موفق در یک کشور توسعه‌یافته می‌تواند در یک کشور درحال توسعه نتیجه معکوس بدهد.

۴. عدم توجه به متغیرهای کنترلی: فرض شود که «افزایش حداقل دستمزد باعث افزایش بیکاری می‌شود». این استدلال عوامل دیگری مانند شرایط اقتصادی کلی، تقاضای کار و نوع صنعت که می‌تواند بر بیکاری تأثیر بگذارند را نادیده گرفته است (Rees, 2022)؛ بنابراین نتیجه‌گیری بدون در نظر گرفتن این متغیرها ناقص است.

۵. استفاده از نمونه‌های غیرنماینده: اگر یک محقق فقط از داده‌های یک صنعت خاص برای نتیجه‌گیری درباره وضعیت کل اقتصاد استفاده کند (Miller, 2021)، این نوع استدلال می‌تواند به نتیجه‌گیری‌های نادرست منجر شود؛ زیرا ممکن است شرایط آن صنعت خاص با سایر صنایع متفاوت باشد و نتایج به‌دست‌آمده قابل تعمیم به کل اقتصاد نباشد.

۶. خطای پس از وقوع (Post Hoc Fallacy): «پس از اجرای سیاست A، نرخ بیکاری کاهش یافت؛ بنابراین سیاست A باعث کاهش بیکاری شده است». این استدلال اینکه ممکن است عوامل دیگری نیز در کاهش بیکاری نقش داشته باشند را نادیده گرفته است، علاوه بر اینکه ارتباط علی بین سیاست و نتیجه را نیز به‌درستی نشان نمی‌دهد (Beker, 2023). بنابراین شناسایی و تحلیل این خطاهای منطقی در نظریه‌های اقتصادی بسیار مهم است؛ زیرا می‌تواند به بهبود کیفیت استدلال‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کمک کند. با دقت در انتخاب واژه‌ها، در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی و اجتناب از تعمیم‌های نادرست، می‌توان به درک بهتری از مسائل اقتصادی دست یافت.

۴. آزمون محتوایی نظریه در اقتصاد اسلامی

هنگامی که از آزمون محتوایی نظریه در اقتصاد اسلامی سخن گفته می‌شود، مراد بررسی قدرت واقع‌نمایی نظریه است. این واقعیت می‌تواند واقعیت متنی، واقعیت بیرونی یا واقعیت انتظاری باشد. مراد از واقعیت متنی مقصود نهفته در ورای آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام است. واقعیت بیرونی ناظر به چگونگی تحقق رویدادهای بیرونی همانند رفتارها یا کارکردهای اقتصادی است. واقعیت انتظاری چیزی است که وقوع آن در صورت تحقق شرایطی قابل پذیرش است.

جدول ۲: آزمون محتوایی انواع نظریه در اقتصاد اسلامی

نوع	سطح تطابق با واقعیت	لازمه آزمون تطابق
نظریه هنجاری	واقعیت متنی	تطابق با منابع دینی
نظریه اثباتی	واقعیت بیرونی	سازگاری با واقعیت بیرونی (عینی)
نظریه تجویزی	واقعیت متنی، بیرونی و انتظاری	تطابق با منابع دینی، سازگاری با واقعیت بیرونی، کارآمدی در اصلاح واقعیت بیرونی

نظریه اقتصادی هنجاری اسلامی، همانند نظریه عدالت توزیعی، به تبیین ارزش‌ها، اهداف و معیارهای مطلوب می‌پردازد و سطح تطابق آن با واقعیت متنی باید آزمون شود. برای ارزیابی این نظریه، لازم است که تطابق آن با

منابع دینی بررسی شود تا اعتبار و مشروعیت آن تأیید گردد؛ برای نمونه باید بررسی کرد که آیا می‌توان با استناد به احکام شرعی استنباط‌شده از آیات و روایات، کار و نیاز را منشأ استحقاق در توزیع درآمد دانست؟

جدول ۳: لازمه آزمون محتوایی انواع نظریه در اقتصاد اسلامی

نوع	محتوای نظریه	لازمه آزمون محتوایی
نظریه هنجاری عدالت	منشأ استحقاق در عدالت توزیعی کار و نیاز است	تطابق با منابع دینی
نظریه اثباتی عدالت	عدالت موجب افزایش انگیزه عاملان اقتصادی و تقویت کارایی می‌شود	سازگاری با واقعیت بیرونی
نظریه تجویزی عدالت	برای تأمین عدالت مالیات بر عایدی سرمایه بگیرد	کارآمدی در اصلاح واقعیت بیرونی

نظریه اثباتی به تحلیل و تبیین واقعیت‌های اقتصادی موجود می‌پردازد و سطح تطابق آن با واقعیت بیرونی باید آزمون شود. ارزیابی تطابق با واقعیت بیرونی با استفاده از داده‌ها و شواهد تجربی که از دنیای واقعی به‌دست آمده‌اند، قابل انجام است. برای ارزیابی این نظریه، باید سازگاری نتایج آن با شواهد و داده‌های عینی بررسی شود تا اعتبار علمی آن تأیید گردد. آزمون این ادعا که رعایت عدالت در فضای کار باعث افزایش انگیزه عاملان اقتصادی و تقویت کارایی می‌شود، نیازمند ارائه شواهد عینی است که وقوع آن را تأیید کند. در مطالعات اقتصادی ممکن است شواهد میدانی یا آزمایشگاهی (با استفاده از نظریه بازی‌ها) بر وجود یک رابطه یا قانونمندی اقتصادی ارائه شود.

نظریه تجویزی به ارائه توصیه‌ها و سیاست‌هایی می‌پردازد که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. آزمون این نظریه علاوه بر بررسی تطابق با شریعت و واقعیت بیرونی، وابسته به بررسی سطح تطابق آن با واقعیت انتظاری یعنی نتایج و تغییرات مورد نظر در آینده است. برای ارزیابی این نظریه، کارآمدی توصیه‌های ارائه‌شده در اصلاح واقعیت‌های اقتصادی موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کارآمدی نشان‌دهنده قابلیت عملی نظریه تجویزی است. وقتی نظریه‌پرداز دریافت مالیات بر عایدی سرمایه را برای تأمین عدالت توصیه می‌کند، درستی این نظریه به این است که نشان دهیم در عمل اثر ادعایی محقق می‌شود. در این موارد نظریه‌پرداز ممکن است به شواهد تاریخی استناد کند و استدلال کند که وضع مالیات بر عایدی سرمایه در فلان برهه زمانی در منطقه‌ای خاص باعث بهبود عدالت شده است.

۵. آزمون نظریه هنجاری در اقتصاد اسلامی

برای آزمون نظریه هنجاری در اقتصاد اسلامی باید بتوانیم استدلال کنیم که این نظریه مستند به شرع است. در مباحث فقهی استناد به شریعت را با روش‌های استنباطی انجام می‌دهند. شهید صدر از روش کشفی سخن گفت که در آن یک نظریه اقتصاد اسلامی به‌عنوان زیربنا از روبناهایی همچون احکام شرعی (قوانین مدنی)، مفاهیم و نظام مالی استنتاج می‌شود. نظریه‌پرداز با بررسی روبناها به‌ویژه احکام فقه اقتصادی به زیربنا یا همان مکتب اقتصادی اسلام دست می‌یابد. روش کشفی شهید صدر داری سه مرحله: ۱. جمع‌آوری احکام شرعی مرتبط و همسو؛ ۲. گردآوری مفاهیم مرتبط؛ ۳. تحلیل و ترکیب احکام و مفاهیم برای استخراج نظریه است. نظریه‌پرداز اقتصاد اسلامی با طی این سه مرحله از روبناها مشتمل بر احکام شرعی و مفاهیم اسلامی به سمت زیربناها حاوی خطوط اساسی مکتب اقتصاد اسلامی حرکت می‌کند.

در مرحله اول؛ یعنی مرحله جمع‌آوری احکام شرعی مرتبط و همسو، محقق با مراجعه به ابواب مختلف فقهی احکام مربوطه را جمع‌آوری می‌کند. محقق می‌باید احکام شرعی را گردآوری کند که بتواند در راستای کشف نظریه مؤثر باشد. این احکام ممکن است در ابواب فقهی متفاوت پراکنده باشند. به این احکام مدنی باید احکام مرتبط با نظام مالی را نیز اضافه کرد؛ احکامی که ناظر به مالیه عمومی دولت است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۲). از نگاه شهید صدر، احکام شرعی گردآوری‌شده برای استنتاج نظریه‌ها و قواعد مکتب اقتصادی اسلام باید دارای چند شرط هماهنگی و اختصاصی بودن برخوردار باشند. احکام گردآوری‌شده باید هماهنگ باشند، به گونه‌ای که بتوان از آن نظریه منسجمی را استخراج کرد. نظریه‌پرداز برای ایجاد این هماهنگی حتی می‌تواند از فتاوی دیگر فقها استفاده کند؛ همچنین احکام جمع‌آوری‌شده نباید از جمله احکام مشترک بین مکاتب اقتصادی باشند، بلکه باید به مکتب اقتصادی اسلام اختصاص داشته باشند، تا بتواند در کشف نظریه به کار رود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۴-۳۹۵). به نظر می‌رسد که این قید قابل توجیه نیست؛ چراکه ممکن است از ترکیب احکام مشترک و اختصاصی بتوان نظریه‌ای متفاوت در اقتصاد اسلامی استخراج کرد؛ حتی در صورتی که حکم مشترک باشد، نظریه استخراج‌شده قابل استناد به اسلام و اقتصاد اسلامی می‌باشد.

در مرحله دوم روش کشفی، مفاهیم مبنایی مرتبط با موضوع جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. از نظر شهید صدر، مفهوم یا مفهوم مبنایی، هر اندیشه یا تصور اسلامی است که واقعیت تکوینی، اجتماعی یا تشریعی را منعکس می‌کند. مفاهیم مزبور شامل مبانی هستی‌شناختی (حاکمی از واقعیت‌های تکوینی جهان هستی)، مبانی جامعه‌شناختی (حاکمی از واقعیت‌های اجتماعی) و مبانی الهیاتی (حاکمی از واقعیت‌های تشریعی) می‌شود؛ برای نمونه، باور به ارتباط هستی با خداوند متعال، مفهومی اسلامی در مورد هستی است. این باور که جامعه انسانی قبل از رسیدن به مرحله عقلانیت، مرحله فطرت و غریزه را پشت‌سر گذاشته است نیز مفهومی اسلامی است. اینکه مالکیت حق ذاتی نیست و ریشه در خلیفه‌اللهی بشر دارد، از جمله مفاهیم اسلامی است. بر اساس مفهوم اخیر، مال در نگرش اسلامی مال خداوند است و خداوند افراد را در مواردی جانشین خود برای اقداماتی در مورد این اموال کرده است. از این جانشینی در مرحله تشریع با عنوان مالکیت یاد می‌شود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۶-۳۹۹).

پس از جمع‌آوری احکام تنظیم‌کننده معاملات، حقوق و التزامات و همچنین مفاهیم مرتبط، نوبت به مرحله چهارم؛ یعنی استخراج نظریه یا قواعد اساسی شکل‌دهنده مکتب اقتصادی اسلام می‌رسد. در این مرحله لازم است مجموعه گردآوری‌شده را به صورت مجموعی مورد بررسی و تحلیل قرار داد؛ چراکه بررسی انفرادی احکام به شیوه اجتهاد متعارف - که طی آن به صورت تفصیلی جوانب حکم و ابعاد مختلف آن به صورت انفرادی بررسی می‌شود - نمی‌تواند محقق فقه نظریه را به هدفش برساند. درواقع این احکام باید به عنوان جزئی از کل مورد توجه قرار گیرد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۵-۳۹۷).

با کنار هم گذاشتن احکامی همچون ممنوعیت پرداخت ربا به سرمایه در عقد قرض، جواز دریافت اجاره از ابزار تولید با استفاده از قرارداد اجاره، ممنوعیت مالکیت موجد بر ماده طبیعی حیات‌شده با استفاده از ابزار تحت اجاره،

می‌توانیم به نظریه توزیع ثروت تولیدی در اسلام رسید؛ نظریه‌ای که متمایز از مکتب اقتصاد سوسیالیستی است. بر اساس نظریه‌ای که شهید صدر از این احکام به‌دست می‌آورد، کار تنها عاملی است که بر اساس آن ثروت تولیدی توزیع می‌شود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۵-۳۹۷).

هرچند سه مرحله مورد اشاره شهید صدر، گام‌های اصلی در فرایند انتقال از احکام شرعی و مفاهیم به سمت نظریه را مشخص می‌کنند، طی این مسیر پیش‌نیازهایی نیز دارد. پیش از ورود در این سه مرحله، طی مراحل مقدماتی همچون طرح مسئله مورد نیاز به نظریه‌پردازی نیز ضروری است. نظریه‌پرداز باید بداند که در چه موردی می‌خواهد نظریه‌پردازی کند و اساساً سؤال اساسی و محوری او در مسیر نظریه‌پردازی چیست. شهید صدر، سخن صریحی در مورد مراحل پیشین نظریه‌پردازی قبل از تجمیع احکام و مفاهیم ندارد، ولی ایشان نیز در عمل پیش از ورود به سه مرحله مورد اشاره، مقدمه‌چینی‌هایی انجام می‌دهد تا زمینه را برای نظریه‌پردازی مهیا سازد. در پاره‌ای از موارد سؤال مورد نیاز برای نظریه‌پردازی از فضای مکاتب رقیب همچون مکتب سرمایه‌داری و مارکسیسم گرفته شده است. بر این اساس، برای روش کشفی حداقل چهار مرحله طرح سؤال، جمع‌آوری احکام شرعی مرتبط و همسو، گردآوری مفاهیم مرتبط و تحلیل و ترکیب احکام و مفاهیم برای استخراج نظریه قابل طرح است؛ رویکردی که می‌توان از آن با عنوان روش کشفی مسئله‌محور یاد کرد.

برخی از محققان روش‌شناسی اقتصاد اسلامی تلاش کردند تا با بسط روش کشفی، مراحل جدیدی بدان بیفزایند. از نظر ایشان، استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت دارای شش مرحله طرح مسئله، شناسایی اولیه متغیرهای مرتبط با موضوع، موضوع‌شناسی عمیق (شامل مفهوم‌شناسی، بررسی سیر تاریخی و کشف مبانی موضوع در اقتصاد رایج)، رجوع به منابع اسلامی با محوریت متغیرهای شناسایی شده (کشف مبانی موضوع از کتاب و سنت، کشف راهبردها از کتاب و سنت به روش اجتهادی، بررسی مجدد و شناسایی متغیرهای جدید)، انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی و تعیین معیارها و شاخص‌های مورد نیاز در صورت لزوم است (خطیبی، ۱۴۰۲، ص ۲۶۳-۲۸۹).

۶. آزمون نظریه‌های اثباتی در اقتصاد اسلامی

شهید صدر در ضمن بحث از علم اقتصاد اسلامی امکان استفاده از روش‌های قیاسی و استقرایی را به رسمیت می‌شناسد. در تحلیل ایشان می‌توان با مفروض گرفتن تحقق مکتب اقتصادی اسلام، به تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی در علم اقتصاد اسلامی پرداخت. از نگاه ایشان، تبیین علمی پدیده‌های اقتصادی به دو صورت ممکن است: اول، پدیده‌های اقتصادی در خلال تجربه واقعیت‌ها جمع‌آوری شده و با تجزیه و تحلیل آنها، قوانین حاکم بر زندگی اقتصادی استخراج شوند؛ دوم، نظریه‌پرداز از برخی فروض مسلم نظریه‌پردازی را آغاز می‌کند و بر اساس آن به تبیین پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۰-۳۳۴). روش اول همان روش استقرایی، و روش دوم، روش قیاسی است. به نظر شهید صدر استفاده از روش اول متوقف بر نهادینه شدن مکتب اقتصادی

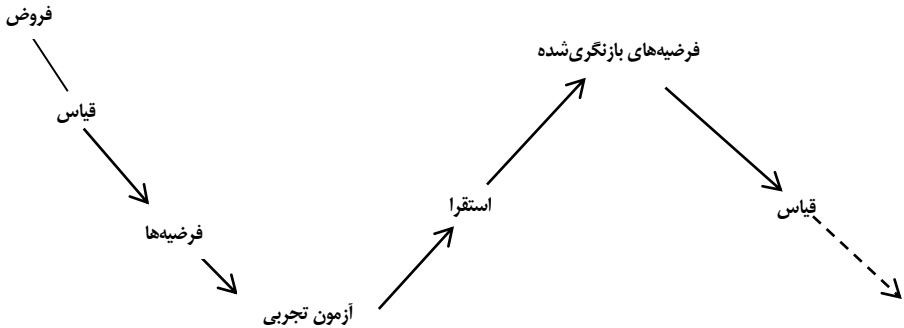
اسلام در دنیای واقعی است، ولی تبیین به روش دوم با مفروض گرفتن برخی واقعیت‌های متمایز اقتصادی در جامعه اسلامی امکان‌پذیر است؛ برای نمونه، محقق اقتصاد اسلامی به تجزیه و تحلیل نتیجه حذف بهره از نظام مالی جامعه و ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع بر اساس مضاربه می‌پردازد و قانونمندی‌های حاکم بر نظام مالی اسلامی را استنتاج می‌کند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۲-۳۳۳).

در روش قیاس، پژوهشگر اقتصاد اسلامی با استفاده از فروض اقدام به استدلال و تدوین نظریه می‌کند؛ برای نمونه، در مباحث اقتصاد خرد اسلامی، فرض می‌شود که عاملان اقتصادی با مشکل عقلانیت ناقص روبه‌رو می‌باشند، آنان ممکن است منافع ماندگار اخروی را فدای منافع زودگذر دنیوی کنند. این فرض زمینه تدوین نظریه عرضه و تقاضا در بازار اسلامی و ضرورت سیاست‌گذاری برای تقویت عقلانیت عاملان اقتصادی را فراهم می‌کند. چنین نظریه‌ای مشابه رویکرد تحلیلی اقتصاد رفتاری است که در آن بر لزوم استفاده از تلنگرهایی برای بهبود انتخاب‌های افراد با عقلانیت محدود تأکید می‌شود. تقویت بعد شناختی و انگیزشی عاملان اقتصادی مسلمان می‌تواند باعث تغییر در انتخاب‌های غیرعقلایی آنها شود. بر این اساس، در صورت تحقق عقلانیت تکامل‌یافته، فرد مسلمان انتخابی می‌کند که منافع دنیوی و اخروی او را به صورت هم‌زمان تأمین کند. در این راستا، چنین فردی هنگام تلاطم اوضاع اقتصادی دست به احتکار ارزاق عمومی نمی‌زند (توکلی، ۱۴۰۰).

در روش استقرایی، پژوهشگر اقتصاد اسلامی می‌تواند با بررسی رخدادهای اقتصادی در جامعه اسلامی دست به استنتاجاتی بزند؛ برای نمونه، وی با مشاهدۀ رفتار پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران در یک نظام بانکی بدون ربا، نظریاتی در مورد چگونگی واکنش آنان نسبت به تغییرات نرخ سود سپرده‌های بانکی ارائه می‌کند (توکلی، ۱۳۹۸). تبیین‌های قیاسی، آن گونه که شهید صدر نیز متذکر می‌شود، بدون توجه به تجارب واقعی نمی‌تواند با دقت علمی کامل زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی را منعکس کند. برای تقویت این تبیین‌ها باید داده‌های حاصل از مطالعه علمی تجارب واقعیت بیرونی نیز جمع‌آوری شوند. در بسیاری از موارد بین عملکرد واقعی نظام و تفسیرهایی که بر اساس فروض از آن ارائه شده، تفاوت وجود دارد. همان گونه که این مسئله برای اقتصاددانان سرمایه‌داری نیز اتفاق افتاده که بسیاری از نظریات تحلیلی خود را بر اساس فروض بنا کرده و به نتایجی دست یافته‌اند که با نتایج واقعیت اقتصادی بیرونی ناسازگار است. این ناسازگاری ناشی از کشف برخی عوامل دیگر در عرصه واقعیت زندگی است که در فروض بدان توجه نشده بود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۳-۳۳۴).

این نقیصه را می‌توان با تلفیق قیاس و استقرا و به کارگیری روش فرضیه‌ای - قیاسی (فرضیه‌ای - استنتاجی) تا حدود زیادی رفع کرد. نظریه‌پردازی در این روش با تنظیم فروض آغاز می‌شود؛ در ادامه، گزاره‌ها یا قضیه‌ها با استفاده از روش قیاس استنباط می‌شوند؛ مرحله نهایی به آزمون گذاشتن فرضیه‌های مستخرج در برابر داده‌هاست. در صورت ناسازگاری این فرضیه‌ها با شواهد خارجی، مقدمات، استنتاجات و فرضیه‌ها بازمینی می‌شود و دوباره فرضیه‌های جدید به آزمون گذاشته می‌شود.

نمودار ۱: روش فرضیه‌ای - قیاسی



نظریه پایداری بانکداری اسلامی را می‌توان نمونه‌ای از روش فرضیه‌ای - قیاسی دانست. بر اساس این نظریه، چون در نظام بانکی بدون ربا سود ثابتی به سپرده‌گذاران پرداخته نمی‌شود، اگر اقتصاد با رکود مواجه شود، بانک مبلغ کمتری به سپرده‌گذاران می‌پردازد و به همین دلیل با خطر ورشکستگی روبه‌رو نمی‌شود. این ادعا را می‌توان در قالب یک فرضیه به آزمون گذاشت. بر این اساس، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که بانک اسلامی در مقابل بحران‌های اقتصادی مقاوم‌تر از بانک ربوی است. بررسی مشاهدات تجربی از عملکرد بانک‌های اسلامی در بحران ۲۰۰۸ می‌تواند راهکاری برای آزمون فرضیه پایداری بانک‌های اسلامی نسبت به بحران باشد. برخی مطالعات تجربی شواهدی در تأیید این ادعا ارائه می‌کنند؛ البته شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد برخی بانک‌های اسلامی از این بحران آسیب دیده‌اند. بررسی این شواهد می‌تواند به تصحیح نظریه و استخراج فرضیه واقع‌گرایانه‌تر کمک کند. نتایج مشاهدات تجربی نشان می‌دهد بانک‌های اسلامی ای عمده‌تاً از بحران مالی آسیب دیده‌اند که از اصول بانکداری اسلامی عدول کرده و به سمت خریداری دارایی‌های سمی رفته‌اند. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد، در بحران مالی سال ۲۰۰۸، بانک‌های اسلامی که درگیر خرید دارایی‌های سمی شدند، به شدت از این بحران متأثر شدند. در مقابل، بانک‌های اسلامی که به اصول بانکداری اسلامی وفادار ماندند، توانستند که خود را از مشکلات ناشی از بحران مصون نگه دارند (توکلی، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۸۶).

با در نظر گرفتن شواهد تجربی، می‌توان نظریه پایداری بانک‌های اسلامی را تصحیح کرد. بر این اساس، فرضیه مستخرج از نظریه ارتقایافته این خواهد بود که صرف استفاده از عقود اسلامی باعث ایمن کردن بانک اسلامی در مقابل بحران مالی نمی‌شود، بلکه بانک‌های اسلامی در صورت تبعیت از ضوابط بانکداری اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف از پایداری بیشتری برخوردار می‌باشند.

نظریه تأثیر ماه مبارک رمضان بر کاهش جرم، نمونه دیگری از قابلیت استفاده از روش فرضیه‌ای - قیاسی است. در این نظریه استدلال می‌شود که فضای معنوی ماه مبارک رمضان باعث افزایش توجه مردم به خداوند و در نتیجه کاهش میزان جرم می‌شود. از این رو این فرضیه مطرح می‌شود که حلول ماه مبارک رمضان باعث کاهش جرم می‌شود.

این فرضیه را می‌توان با بررسی آمارهای جرم و جنایت در ماه مبارک رمضان در مقایسه با سایر ماه‌ها آزمون کرد. نتایج مطالعات تجربی حاکی از رابطه معنادار بین ماه مبارک رمضان و کاهش جرائم است (حسینی، ۱۳۹۱).

آنچه تا کنون گفته شد در مورد آزمون نظریه‌های اقتصادی اثباتی است که با استفاده از منابع دینی تدوین می‌شود؛ یعنی گزاره‌هایی که به صورت صریح در کتاب و سنت نیامده است، اما آزمون گزاره‌های اقتصادی اثباتی که به صورت صریح در کتاب و سنت وجود دارد، وضعیت متفاوتی دارد. گزاره‌های اقتصادی اثباتی متخذ از قرآن از نظر سند قطعی است، ولی ممکن است از نظر دلالت قطعی نباشد. در مقابل، گزاره‌های اقتصادی اثباتی متخذ از روایات از جهت سندی و دلالتی ممکن است قطعی نباشد. در مورد گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح در قرآن مجید و همچنین گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح در روایات، آزمون‌پذیری متنی است؛ زیرا این گزاره‌ها از واقعیتی حتمی گزارش می‌دهند و آزمون به معنای تطابق با واقعیت بیرونی معنا ندارد؛ زیرا این گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح در آیات و روایات از واقعیات قطعی گزارش می‌دهند. تنها نکته موجود در مورد این گزاره‌ها مواردی است که دلالت گزاره متخذ از آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام قطعی نباشد. در این حالت، آزمون به مفهوم ارزیابی واقع‌نمایی گزاره مطرح نیست، ولی می‌توان اقدام به ارزیابی دلالت آن کرد؛ برای نمونه، در آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)، این گزاره اثباتی اقتصادی قابل استخراج است که بین گسترش ایمان و تقوا در جامعه و برکت رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی هنگامی که سطح ایمان و تقوا در جامعه افزایش یابد، برکت نیز افزایش می‌یابد. ممکن است محقق اقتصاد اسلامی این گزاره را این گونه تفسیر کند که بین تقویت شاخص‌های اخلاق اقتصادی و شاخص رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد. در این مورد، آزمون این نظریه یا گزاره به مفهوم بررسی امکان تطبیق گزاره صریح قرآنی بر این برداشت مفهومی است. البته ممکن است این ایده مطرح شود که محقق اقتصاد اسلامی با ارزیابی شواهد بیرونی در مورد گزاره اقتصادی اثباتی صریح در منابع دینی، به دنبال ارائه شواهدی برای کسانی است که حجیت این دو منبع شناخت را نپذیرفته‌اند. در این صورت بررسی شواهد تجربی و تاریخی می‌تواند باعث شود که حقانیت این گزاره‌ها برای دیگران نیز آشکار شود.

۷. آزمون نظریه‌های تجویزی در اقتصاد اسلامی

نظریه اقتصادی تجویزی حاوی طرح و نقشه‌ای برای دستیابی به اهداف اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی پیش‌روست. آزمون این نظریه بدان است که نشان دهیم الگو یا طرح پیشنهادی هم با موازین شریعت هماهنگ است و هم می‌تواند نتایج مورد انتظار را محقق کند. وقتی نظریه‌پرداز الگویی را برای تحقق عدالت ارائه می‌دهد، وی باید شواهدی بر تطابق آن با اقتضائات نظریه عدالت توزیعی اسلامی و همچنین اثربخشی آن در بهبود وضعیت عدالت توزیعی ارائه دهد؛ برای نمونه، توزیع سهام عدالت ممکن است از جهت آزمون تطابق با شریعت و کارآمدی با مشکل روبه‌رو شود، ممکن است گفته شود که تخصیص مساوی آن با اقتضائات نظریه عدالت هماهنگ نباشد، شیوه اجرایی تخصیص این سهام نیز ممکن است باعث ناکارآمدی آن شود.

آزمون یک الگوی بانکداری اسلامی، به عنوان نمونه دیگر، به این است که هم مطابقت آن با شریعت و هم کارآمدی آن را آزمون کنیم. ممکن است یک الگوی بانکداری اسلامی از جهت مطابقت با شریعت مورد تأیید قرار گیرد، ولی از نظر کارآمدی با مشکل مواجه باشد. اگر یک الگوی بانکداری اسلامی در آزمون مطابقت با شریعت موفق نباشد، نوبت به آزمون کارآمدی نمی‌رسد.

آزمون کارآمدی را می‌توان نوعی آزمون تحقق اهداف مورد نظر شارع دانست. اگر یک الگوی بانکداری اسلامی ضوابط شریعت را تأمین کند، ولی در تحقق عدالت توزیعی موفق نباشد، در این صورت هدف شریعت از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی محقق نشده است. بر این اساس، آزمون کارآمدی را نیز باید نوعی آزمون مطابقت با اهداف شریعت قلمداد کرد. با توجه به اینکه الگوهای عملیاتی نوعی طراحی بر اساس اهداف و رهیافت‌های اسلامی است، ناکامی الگو در عمل به این مفهوم نیست که اهداف مورد توجه و یا ضوابط شرعی نادرست است. این ناکامی می‌تواند در نتیجه ضعف در طراحی الگو و یا حتی ضعف در اجرا باشد. ممکن است یک الگو برای یک زمان و یا یک منطقه مناسب نباشد و از این جهت در عمل با موفقیت همراه نباشد.

۸. گام‌های آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی

آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی در دو مرحله صوری و محتوایی صورت می‌گیرد. در آزمون صوری مرحله اول بررسی می‌شود که آیا شکل استنتاج در نظریه از جهت منطقی درست است یا خیر؟ در آزمون محتوایی مرحله دوم بررسی می‌شود که مواد استدلال و همچنین نتیجه گرفته‌شده را چه میزان می‌توان معتبر دانست.

مرحله دوم آزمون محتوایی در هریک از سه نوع نظریه در اقتصاد اسلامی می‌تواند مستلزم مراحل و گام‌های متفاوتی باشد. نظریه اقتصادی هنجاری نیازمند آزمون تطابق شرعی؛ یعنی بررسی انطباق با منابع دینی است. نظریه اقتصادی اثباتی نیازمند آزمون بیرونی و بررسی تطابق ادعاهای مطرح‌شده با شواهد تاریخی، آماری و رفتاری است. در نظریه اقتصادی تجویزی ترکیبی از آزمون تطابق با شریعت، سازگاری با شواهد عینی و کارآمدی عملی نیاز است. جدول ۴: روش آزمون محتوایی انواع نظریه در اقتصاد اسلامی

انواع نظریه	کارکرد نظریه	رویکرد نظریه	روش تدوین نظریه	روش آزمون نظریه
نظریه اقتصادی هنجاری	ترسیم وضعیت مطلوب	ارزش‌داوری	روش کشفی	آزمون انطباق با منابع دینی
نظریه اقتصادی اثباتی	تحلیل رفتارها و روابط بین متغیرها، پیش‌بینی واکنش‌ها به مداخلات سیاستی	تبیین، پیش‌بینی	روش فرضیه‌ای - قیاسی	آزمون بیرونی (شواهد تاریخی، آماری و رفتاری)
نظریه اقتصادی تجویزی	ارائه پیشنهادات اصلاحی (ساختاری، سیاستی)	تجویز، توصیه سیاستی	روش کشفی / تأسیسی	آزمون ترکیبی (بررسی تطابق با منابع دینی، سازگاری با شواهد تاریخی و آماری، کارآمدی تجویزی)

برای تطبیق نکات بالا، نمونه تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارمندان‌شان را در نظر بگیرید (خلیلی تیرتاشی و توکلی، ۱۴۰۳). در این مورد این سؤال مطرح است که آیا بانک‌ها مجازند بیش از عموم مردم به کارمندان خودشان تسهیلات اعطا کنند؟ برای قضاوت در این زمینه، مجموعه‌ای از نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی را می‌باید مطرح و آزمون کرد. نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی نمونه‌ای از نظریه اقتصادی هنجاری در حوزه بانکداری اسلامی است. برای آزمون این نظریه باید بررسی کرد که آیا شیوه عادلانه تسهیلات با نظریه عدالت توزیعی استخراج‌شده از منابع دینی سازگار است یا خیر؟ اگر بر اساس نظریه عدالت توزیعی اسلامی، منشأ استحقاق کار یا نیاز است، باید دید که آیا نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی به این دو منشأ استحقاق در تعیین حق متقاضیان تسهیلات بانکی توجه کرده است یا خیر؟ نظریه رفتار کارمندان بانک نوعی نظریه اقتصادی اثباتی است که آزمون آن به بررسی درستی تبیین و پیش‌بینی ارائه‌شده از رفتار آنها در زمینه تسهیلات و واکنش احتمالی به تغییرات سیاستی است. آزمون نظریه سیاست تسهیلات کارمندی نیز به این است که سیاست تجویزی را از جهت انطباق با اقتضائات نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی، سازگاری با شواهد رفتاری و همچنین کارآمدی اجرایی می‌توان آزمون کرد. آزمون نظریه می‌تواند به بازنگری نظریه در مرحله تدوین کمک کند و منجر به اصلاح و تدقیق محورهای مختلف نظریه همچون فروض و فرضیه‌ها شود.

جدول ۵: از تدوین نظریه تا آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی

سرخ نظریه	مراحل نظریه‌پردازی	گام‌های تدوین نظریه	روش آزمون
هنجاری	نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی	جمع‌آوری احکام و مفاهیم (مبانی)، استخراج معیارهای عدالت استحقاقی در زمینه تسهیلات بانکی (مثال: عدالت مستلزم تساوی فرصت در دسترسی به تسهیلات) (روش کشفی)	آزمون هماهنگی با اقتضائات نظریه عدالت توزیعی اسلامی
اثباتی	نظریه رفتار تسهیلاتی کارمندان بانک	مبانی، استدلال قیاسی، استخراج فرضیه(ها)، آزمون فرضیه(ها) (مثال: کارمند بانک به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود است، محدودیت باعث کاهش انگیزه فعالیت می‌شود) (روش فرضیه‌ای - قیاسی)	آزمون سازگاری با شواهد رفتاری
تجویزی	الگوی تسهیلات کارمندی بانکی	مبانی، طراحی الگو، استخراج فرضیه(ها)، آزمون فرضیه(ها) (مثال: کاهش سقف تسهیلات، افزایش شفافیت اطلاعاتی) (روش تأسیسی)	آزمون سازگاری با اقتضائات عدالت تسهیلاتی بانکی، شواهد رفتاری و کارآمدی عملی

نتیجه‌گیری

در ادبیات روش‌شناسی اقتصاد اسلامی، صورت‌بندی کاملی از روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی صورت نگرفته است. علی‌رغم مباحثی که در زمینه روش نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی با تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی ارائه شده است، رویکرد مشخصی در مورد آزمون این نظریه‌ها ارائه نشده است؛ حتی این ابهام مطرح است که آیا نظریه‌های اقتصاد اسلامی را می‌توان آزمون کرد. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی روش آزمون نظریه‌ها در اقتصاد اسلامی با توجه به تفکیک میان نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی بررسی شد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، هرچند آزمون صوری این نظریه‌ها یکسان و مستلزم ارزیابی اتقان منطقی شکل استدلال است، آزمون محتوایی آنها متمایز است.

نظریه‌های هنجاری به تبیین ارزش‌ها و اهداف اقتصادی در اسلام می‌پردازند و نیازمند تطابق با منابع دینی می‌باشند. نظریه‌های اثباتی، با تمرکز بر تحلیل رفتارها و روابط بین متغیرها، به پیش‌بینی واکنش‌ها به مداخلات سیاستی می‌پردازند و باید با شواهد تاریخی، آماری و رفتاری سازگار باشند. البته گزاره‌های اقتصادی اثباتی که به‌صورت صریح در آیات و روایات مطرح شده باشند، آزمون‌پذیر نیستند و واقع‌نمایی آنها قطعی است. در این موارد، ارائه شواهد عینی و تاریخی می‌تواند برای اقناع مخاطبانی که حجیت منابع دینی را نمی‌پذیرند، مؤثر باشد. در نهایت، نظریه‌های تجویزی به ارائه پیشنهادات اصلاحی می‌پردازند و کارآمدی آنها در عمل همراه با تطابق با شریعت و شواهد بیرونی باید مورد بررسی قرار گیرد. نظریه‌های اقتصادی هنجاری را باید آزمون درونی (آزمون استناد به کتاب و سنت) کرد، ولی در زمینه نظریه‌های اثباتی باید به سراغ شواهد بیرونی رفت. در مورد نظریه‌های تجویزی نیز که عملاً ترکیبی از نظریه‌های هنجاری و اثباتی به‌علاوه هنر طراحی است، باید علاوه بر آزمون گزاره‌های مخفی هنجاری و اثباتی، کارآمدی تجویز صورت‌گرفته را نیز آزمون کرد.

پیش از آزمون محتوایی نظریه‌های اقتصاد اسلامی، باید آنها را از نظر صوری نیز آزمون منطقی کرد. آزمون منطقی در این سطح، صورت استدلال و استنتاج را بررسی می‌کند. این نوع آزمون برای آن است که دچار خطای در استنتاج نشویم. خطای در استدلال می‌تواند شامل مواردی همچون استفاده دوگانه از اصطلاحات، استنتاج نادرست از داده‌ها، تعمیم نادرست، عدم توجه به متغیرهای کنترلی، استفاده از نمونه‌های غیرنماینده و خطای پس از وقوع شود.

منابع

- توکل، محمدجواد (۱۳۹۸). *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توکل، محمدجواد (۱۴۰۰). چشم‌اندازهای نظریه عقلائی محدود در اقتصاد اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۲۶)، ۱۸۱-۲۱۰.
- توکل، محمدجواد (۱۴۰۲). *درآمدی بر فلسفه اقتصاد اسلامی؛ بررسی هویت دانش اقتصاد اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- توکل، محمدجواد (۱۳۹۳). تحلیلی بر طرح اقتصادی شورای پای صلح در اصلاحات کلان اقتصادی در جهان. معرفت ادیان، ۳(۱۱)، ۶۵-۸۶.
- توکل، محمدجواد و شفیعی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). شاخص تولید خالص داخلی طیب. معرفت اقتصاد اسلامی، ۳(۶)، ۳۹-۵۳.
- حسینی، حسینی (۱۳۹۱). ارزش‌ها و رفتار اقتصادی انسان مسلمان (مطالعه موردی ماه مبارک رمضان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسینی، سیدعلی (۱۳۹۳). تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا در حوزه اقتصاد کشاورزی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۶(۱۱)، ۱۲۵-۱۳۸.
- خطیبی، مهدی (۱۴۰۲). روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خلیلی تیرتاشی، محسن و توکل، محمدجواد (۱۴۰۳). ارزیابی تسهیلات بانکی کارمندی. قم: اندیشکده قدر.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۶). *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*. تهران: سمت.
- صدر، سیدمحمد باقر (۱۴۲۱ق). *الإسلام یقود الحیاة*. تهران: المؤتمر العالمی لائمة الجمعة و الجماعة.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۰ق). *اقتصادنا*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صمصامی، حسین و داودی، پرویز (۱۳۸۹). به سوی حذف ربا از نظام بانکی از نظریه تا عمل. تهران: دانایی توانایی.
- قحف، منذر (۱۴۲۰ق). *الاقتصاد الإسلامی علماً و نظاماً*. بی‌جا: بی‌نا.
- محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۲). ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری جمهوری اسلامی در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۴). فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۹)، ۳۲-۵.
- نظریپور، محمدنقی (۱۳۸۴). آزمون‌های تجربی در اقتصاد و کاربردهای آن در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۵(۱۷)، ۴۵-۱۱.
- نظری، حسن آقا (۱۳۹۶). روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد واقعیت نهادی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نظری، حسن آقا و خطیبی، مهدی (۱۳۹۲). روش‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲(۴)، ۲۸-۵.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱). روش‌های استنباط نظام اقتصادی اسلام. کاوشی نو در فقه، ۱۰(۳۳ و ۳۴)، ۲۸۷-۳۲۷.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵). روش‌های کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام. اقتصاد اسلامی، ۶(۲۲)، ۱۴۷-۱۷۶.
- Beker, V. (2023). *Economic Theory for the Real World*. London: Routledge.
- Brown, A. (2024). *Private Law and Competition Regulation: A Comparative Study* (2 ed.). Routledge.
- Copi, I., Cohen, C. & McMahon, K. (2016). *Introduction to logic*. Routledge.
- Hurley, P. (2011). *A concise introduction to logic* (11 ed.). Cengage Learning.
- Miller, T. (2021). Environmental Assessments of Capital-Intensive Product Systems, Chemical and Environmental Engineering (ENAS). Doctoral dissertation, Yale University.
- Rees, T. (2022). *Women and the labor Market*. Routledge.
- Tvede, L. (2002). *The Psychology of Finance: Understanding the Behavioural Dynamics of Markets*, Revised ed. Wiley.